

## سخن هفته: طلب صلح از امریکا هم‌مانند طلب هدایت از شیطان است!



بتاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۰م، مراسم افتتاحیه مذاکرات بین‌الافغانی میان هیئت طالبان و مذاکره‌کنندگان تیم جمهوری در قطر برگزار گردید. وزرای خارجه کشورهای مختلف و نیز روسای سایر سازمان‌های بین‌المللی در این مراسم به سخنرانی پرداختند. مایک پامپئو، وزیر خارجه امریکا، نیز در این مراسم به‌گونه‌ی حضوری اشتراک ورزیده بود و موقف و ستراتیژی امریکا در خصوص برآیند و نتیجه گفتگوهای بین‌الافغانی را روشن‌تر ساخت. وی تأکید کرد که امریکا هیچ نوع نظام و ساختار سیاسی را بالای افغان‌ها تحمیل نمی‌کند. و از سوی دیگر زلمی خلیل‌زاد در مصاحبه‌ی گفته‌است که گفتگوهای بین‌الافغانی می‌تواند مانند کنفرانس بن در ظرف ۱۱ روز به نتیجه‌ی ملموسی منجر شود؛ امری که محال به‌نظر می‌رسد.

اگر نگاه اجمالی به پالیسی و استراتژی امریکا بی‌اندازیم، به‌وضوح می‌توانیم این حقیقت را درک کنیم که امریکا ۱۹ سال قبل تحت سناریویی «جنگ با تروریسم و محو مواد مخدر» و نیز با شعارهای دروغین و فریبنده -از قبیل حقوق بشر و دموکراسی- افغانستان را به‌شکل نظامی و سیاسی اشغال کرد. اما پس از آن که شکست نظامی خود را در برابر گروه طالبان پذیرفتند، با آنان از دریچه‌ی سیاسی و رویکرد گفتمانی وارد مذاکره شدند. اما دیده شد که سیاسیون و رهبران امریکا به تمامی ارزش‌های حقوق بشری و دموکراسی که در طول ۱۹ سال برایش گلو پاره می‌کردند، پشت کرده و آنان را به بسیار سادگی طی یک معامله‌ی سیاسی فدای منافع (ملی، سیاسی، اقتصادی و منطقی) خود نمودند. چنانچه جو بایدن در یک مصاحبه‌ی گفته‌است که در صورت به قدرت رسیدن طالبان، مسئولیت حقوق بشر و زنان افغان به‌دوش وی نمی‌باشد. و این بیان‌گر آن‌ست که امریکا به ارزش‌های خود -که خطوط سرخ یک کشور و یک ابر قدرت می‌باشد- وفا نمی‌کند، چی تضمینی وجود دارد که به چند ورق توافق‌نامه متعهد باقی بماند؟! این سوال را سیدقطب (علیه‌رحمه) به صراحت پاسخ داده است که طلب صلح از امریکا مانند طلب هدایت از شیطان است.

از سوی دیگر، ستراتیژی و اراده‌ی سیاسی امریکا را بخوبی می‌توان در اظهارات مایک پمپئو واضحاً ملاحظه کرد. چنان‌چه او گفت که در خصوص نظام آینده‌ی سیاسی افغانستان مداخله نمی‌کند، اما واضحاً تصریح کرد که هرگونه کمک‌های مالی و حمایت سیاسی امریکا از افغانستان مستقیماً بر نتایج گفتگوهای بین‌الافغانی استوار می‌باشد. اظهارات وی کاملاً واضح می‌سازد که بحث‌های تیم‌ها متقابل (امارت و جمهوری) در صورتی موفقیت‌آمیز پنداشته خواهد شد که متضمن منافع امریکا در افغانستان و منطقه بوده باشد. در غیر آن نه تنها این که کمک‌های اقتصادی را قطع کرده بلکه معادله سیاسی افغانستان را طوری دیگری تغییر خواهند زد. چنان‌چه زلمی خلیل‌زاد بارها گفته‌است که به اجازه‌ی کسی به افغانستان

نیامده است و به اجازه‌ی کسی هم از آن بیرون نمی‌شود. از سوی دیگر، دونالد ترامپ در یک مصاحبه‌ی گفته بود که طیاره‌های جنگی ما بسیار سریع هستند و به در اسرع وقت می‌توانند دوباره به افغانستان برگردند.

تقابل تیم جمهوری و امارت به هدف رسیدن به یک توافق نشان می‌دهد که دو طرف خواهان صلح بوده و تلاش دارند روی یک سناریو به تفاهم برسند. اما سوال اینجاست که آیا از بطن چنین مباحث و گفتگوها، اسلام و نظام اسلام خارج می‌گردد؟ نخیر! چون نتایج چنین گفتگوها نه تنها این که منافع امریکا را تهدید نخواهد کرد، بلکه پالیسی‌های منطقی و اهداف سیاسی امریکا را تأمین خواهد کرد. از سوی دیگر امریکا این را از قبل تصریح کرده است که نظام مقبول برای امریکا، نظامی است که منافع امریکا را تهدید نکند. از این رو برای رسیدن به اهداف ستراتیژیک خود همواره از پالیسی زردک و چماق (Carrot and Stick Policy) در برابر رهبران و گروه‌های سایر کشورها استفاده کرده است. این به آن معنی است که امریکا در ابتدا با فراهم نمودن «زردک» یا بعبارہ دیگر «منافع و امتیازات» در پی ایجاد روابط دوستانه بوده تا طرف مقابل طبق خواست امریکا به پیش برود. و اگر دوستان ستراتیژیک اش منافع امریکا را زیر سوال برده و برخلاف پالیسی آن به پیش بروند، با از استفاده از «چماق» و یا «فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی» به تنبیه آنان می‌پردازد.

در آخر می‌توان گفت که امریکا گفتگوهای بین‌الافغانی را به گونه‌ی مستقیم و غیرمستقیم تحت زره‌بین خود قرار داده است و تلاش می‌کند که نتیجه گفتگوهای بین‌الافغانی به هیچ عنوان منافع امریکا را تهدید نکند. و نیز می‌خواهد چنین ساختاری از بطن این گفتگوها بیرون آید که تنها دارای پسوند و پیشوند «اسلامی» باشد، نه دارای محتوای اسلامی. در حالی که نظام اسلامی به نظامی گفته می‌شود که در آن «اسلام» منحیث راه‌نمای اساسی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی معیار عمل باشد. و با آمدن آن از ذره ذره جنایات جنگی امریکا در افغانستان بازخواست صورت بگیرد. و هرگونه سفات‌خانه‌ها (سازمان‌های استخباراتی) که به هدف نابودی «اسلام» در افغانستان پایگاه‌ها دارند، از بین برده شوند. در آنصورت است که افغانستان به یک جغرافیای امن و صلح‌آمیز مبدل خواهد شد.

مسلم بغلانی